

درنگی در تأثیر کثرت سفر در اتمام نماز و روزه مسافر^۱

محمد سالم محسنی^۲

چکیده

این پژوهش چستی کثرت و شغل را از نظر موضوع شناسی بررسی کرده است. برخی از مسافران مانند رانندگان و تجار از حکم قصر نماز و روزه خارج شده و موضوع اتمام قرار گرفته‌اند. در اینجا بحث این است که آنچه موجب خروج آنان از حکم قصر شده، چیست؟ روایات مربوط به موضوع صرفاً به بیان برخی عنوان‌های شغلی از قبیل مُکاری، جَمال، مَلّاح و تاجر اکتفا کرده و در نهایت، عمل سفر را به عنوان علت حکم یاد کرده است، اما نگارنده از بیان فقیهان، دو نظریه کثرت سفر و شغل را استنباط نموده و معیارهای تحقق آن را تبیین کرده است که در این میان، نظریه شغل سفر با مضمون روایات نزدیک تر به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: کثیرالسفر، دایم السفر، شغل سفر، قصر، اتمام.

درنگی در تأثیر کثرت
سفر در اتمام نماز و روزه
مسافر

۹۱

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲.

۲. دانش‌آموخته دکترای رشته فلسفه اسلامی جامعه المصطفی العالمیه قم، ایران؛ رایانامه: ms.muhseni@yahoo.com (تدوین مقاله زیر نظر مؤسسه موضوع شناسی احکام فقهی)

مقدمه

پیمودن هشت فرسخ راه، سفر شرعی محسوب و موجب قصر نماز و روزه می‌گردد، اما برخی مسافرت‌ها مانند سفر رانندگان، کشتی‌بان‌ها، تجار و ... از این حکم استثنا شده و موضوع حکم اتمام نماز و روزه قرار می‌گیرند. حال این پرسش مطرح می‌شود که موجب اتمام نماز و روزه در گروه‌های یادشده چیست؟ آیا صرفاً عنوان‌های شغلی آن‌ها از قبیل کشتی‌بانی و تجارت موضوع حکم بوده یا کثرت سفر یا شغل سفر؟ روایات در این مسئله تنها به ذکر برخی عناوین از قبیل مُکاری، ملاح، جمّال، تاجر و مانند آن‌ها اشاره کرده و موضوع را به روشنی بیان نکرده است، لکن در میان فقیهان برخی کثرت سفر و برخی دیگر شغل سفر را موضوع حکم دانسته‌اند.

پژوهش حاضر در پی موضوع‌شناسی مسئله است تا روشن سازد که در گروه‌هایی که از حکم قصر نماز و روزه استثنا شده‌اند، کثرت سفر موضوع حکم است یا شغل بودن سفر. دو اصطلاح «کثیر السفر» و «شغل سفر» از یک موضوع حکایت می‌کند و آن عبارت است از سفری که یا از نظر زمانی کثیر محسوب می‌شود یا شغل و حرفه به شمار می‌رود.

آنچه اهمیت و ضرورت موضوع را روشن می‌سازد، از یک سو توسعهٔ تکنولوژی حمل و نقل و شیوهٔ زندگی مُدرن است؛ چون اولاً با پیدایش وسایل پیشرفتهٔ حمل و نقل، مسافرت و گردشگری بسیار آسان شده و میزان آن افزایش یافته است. ثانیاً ساختار جامعهٔ امروزی به خصوص در بخش اشتغال، شغلی‌های زیادی را به وجود آورده که به مسافرت روزانه، هفتگی و ماهانه وابسته است. چنان‌که بعضی در طول یک سال یا یک ماه و حتی برخی در طول یک هفته، چندین بار به اندازهٔ مسافت شرعی مسافرت می‌کنند. از سوی دیگر، بحث چِستی موضوع کثرت و شغل سفر از مباحث پیچیدهٔ فقهی است و در استنباط حکم شرعی نماز و روزه مسافر نقش اساسی دارد؛ چنان‌که اختلاف فتواها دربارهٔ قصر یا تمام بودن عبادات افراد کثیرالسفر یا شاغل در سفر، برخاسته از اختلاف نظر در فهم و تفسیر چِستی کثرت و شغل سفر و معیار صدق و شرایط آن است؛ بنابراین، بررسی چِستی کثیرالسفر و شغل سفر و

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۹۲

معیارهای تحقق آن از نظر موضوع‌شناسی برای دستیابی به حکم شرعی مسئله، دارای ضرورت است.

۱. مفهوم‌یابی کثرت و شغل سفر

برای حکایت از موضوع کثرت و شغل سفر، تعبیر یگانه‌ای وجود ندارد که بتوان آن‌را محور بحث قرار داد بلکه تعبیرات گوناگونی درباره آن به کار رفته است؛ مانند کثیرالسفر، سفر بیش از حضر، شغل سفر، شغل در سفر و سفر مقدمه شغل. وجود چنین اصطلاحات متنوعی در این موضوع، بیان‌گر پیچیدگی و دشواری آن است؛ چون روشن نیست که چه مفهومی در واقع موضوع قرار گرفته و می‌تواند حقیقت آن‌را بیان کند.

در روایات مربوط به موضوع از تعبیرات «کثرت سفر» و «سفر بیش از حضر» و مانند آن‌ها سخن به میان نیامده است. عنوان «شغل و عمل سفر» نیز به صورت صریح موضوع قرار نگرفته است. در این روایات تنها مصادیق و عناوین شغلی مانند مکاری^۱، ملاح^۲، تاجر^۳ و... ذکر شده نه عنوان کلی و جامع کثیرالسفر و شغل سفر (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۵/۸-۴۸۹). اگرچه در برخی روایات عمل و شغل سفر بعد از بیان مصادیق خاص به عنوان علت حکم یاد شده است؛ مانند صحیحۀ زراره از امام صادق علیه السلام که از چهار گروه مکاری، کری، راعی^۴ و آشتقان^۵ به‌عنوان کسانی که در سفر حکم عبادت‌شان تمام است نام برده و سپس «عمل سفر» را علت این حکم خوانده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۵/۸).

فقیهان در بحث کثرت و شغل سفر تعبیرات گوناگونی را مانند کثیرالسفر، سفر بیش از حضر، شغل سفر، شغل در سفر و سفر مقدمه شغل و...، به کار برده‌اند.

۱. چاروادار: کسی که چهارپایان خود را کرایه می‌دهد.

۲. کشتی‌بان.

۳. بازرگان.

۴. چوپان.

۵. نگهبان مزرعه یا نامه‌رسان.

بررسی سیر پیدایش این اصطلاحات نشان می‌دهد که از دوره شکل‌گیری فقه استدلالی شیعه با آثار شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی تا دوره محقق حلی و علامه حلی، فقیهان برای حکایت از موضوع مورد بحث، تعبیر «سفر بیش از حضر» را به کار می‌بردند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ۳۴۹؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵، ۱۶۴؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ۱۱۶؛ سلّار دیلمی، ۱۴۰۴، ۷۴؛ طوسی، ۱۳۸۷، المبسوط، ۱۴۱/۱؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۱۰۶/۱؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷، ۷۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳۳۸/۱؛ قطب الدین کیدری، ۱۴۱۶، ۹۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱۲۴/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۱۰۶/۶). در آثار شهید اول و شهید ثانی در سده هشتم تا دهم هجری، تعبیر «کثیرالسفر» بیشتر رواج یافته و به جای «سفر بیش از حضر» مورد استفاده قرار گرفته است (شهید اول، ۱۴۱۷، ۲۱۱/۱؛ جمال الدین حلی، ۱۴۱۷، ۴۸۴/۱-۴۸۶؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲، حاشیه المختصر، ۶۶؛ ۱۴۲۲، حاشیه شرایع، ۱۹۶؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ۵۱۲/۲؛ بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۹، ۲۳۱). لکن از سده دهم هجری به بعد رویکرد جدیدی در میان فقیهان به وجود آمد که بر مبنای آن، شغل و عمل سفر به جای کثرت سفر، معیار قرار گرفت و تعبیر «عمل سفر» رواج یافت (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ۴۴۹/۴؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ۲۴/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۳۹۰/۱۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۳۵۷/۴؛ نراقی، ۱۴۱۵، ۲۷۳/۸؛ قمی، ۱۴۱۷، ۱۱۸/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷۵/۱۴). از سده چهاردهم هجری و بعد از کتاب عروة الوثقی، تعبیر «شغل سفر» نیز وارد محاورات فقهی و آثار فقیهان شد (یزدی، ۱۴۰۹، ۱۳۱/۲-۱۳۲).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۹۴

۲. مفهوم‌شناسی کثرت و شغل سفر

برخی مفاهیم مرتبط با موضوع به قرار و شرح ذیل است:

۲-۱. سفر بیش از حضر و کثیرالسفر

این دو اصطلاح مترادف و معنای یکسان دارند؛ چون برخی فقیهان اصطلاح نخست را به کار برده‌اند و برخی دیگر اصطلاح دوم را استفاده کرده‌اند (ر.ک: خوبی، ۱۴۱۸، ۱۵۲/۲۰).

شیخ طوسی در تعریف سفر بیش از حضر می‌گوید: حد و معیارش آن است که مسافر ده روز در شهر و وطن خود اقامت نداشته باشد (طوسی، ۱۳۸۷، المبسوط، ۲۸۴/۱). لکن ابن براج و ابن ادریس در تحقق آن تکرار سفر را نیز معتبر دانسته‌اند

(ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۱/۱۰۶؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۱/۳۳۹). در بسیاری از آثار محقق حلی و علامه حلی به بیان شرط عدم اقامت ده روز اکتفا شده و از تعدد سفر سخن گفته نشده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱/۱۲۴ و ۱۴۱۸، ۵۱/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، قواعد، ۱/۳۲۵ و ۱۴۱۴، ۴/۳۹۳). اما شهید اول و شهید ثانی تحقق کثرت سفر را وابسته به هر دو شرط دانسته‌اند: سفر بیش از حضر یا کثیرالسفر بودن زمانی محقق می‌شود که دست کم سه بار سفر بدون فاصله شدن ده روز اقامت در جایی، انجام شود (شهید اول، ۱۴۱۹، ۴/۳۱۵-۳۱۶ و ۱۴۱۷، ۱/۲۱۱؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲ حاشیه شرائع، ۱۴۲ و ۱۴۲۰، ۲۲۰). بعد از آن نیز کسانی که در بیان چستی کثیرالسفر سخن گفته‌اند، به هر دو شرط اشاره کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۱/۳۹۵).

دربارهٔ زیادی سفر بر حضر از نظر زمانی برخی در این حد اشاره کرده‌اند که باید مجموع ایام سفر نسبت به ایام حضر بیشتر باشد (اشتهدی، ۱۴۱۷، ۱۹/۱۳۷). بعضی دست کم سه ماه رفت و آمد را که در آن ده روز اقامت در وطن فاصله نشود، لازم شمردند (منتظری، ۱۴۳۱، ۲/۱۴۲). بعضی دیگر ادامه داشتن سفر تا چهار ماه را ذکر کرده‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸، ۱۲۵) و برخی برای تحقق کثرت سفر از نظر زمانی حدّ اقل مسافرت شش ماه در یک سال را شرط دانسته‌اند، به گونه‌ای که در هر ماه آن، حدّ اقل باید ده روز در سفر باشد (سیستانی، ۱۴۲۲، ۱۹۱).

از مجموع دیدگاه‌های بالا چنین فهمیده می‌شود که سفر بیش از حضر یا کثیرالسفر عبارت است از سفری که دست کم سه بار پی در پی بدون اقامت ده روز در وطن یا جای دیگر انجام شود و از نظر زمانی نیز حدّ اقل سه تا شش ماه در یک سال ادامه یابد.

۲-۲. شغل سفر و عمل سفر

دو اصطلاح شغل سفر و عمل سفر در این بحث مترادف‌اند و فقیهان آن دو را به یک معنا به کار برده‌اند (یزدی، ۱۴۰۹، ۲/۱۳۱؛ صدر، ۱۴۰۳، ۴۲۷)؛ بنابراین، می‌توان مفهوم آن دو را یک جا مورد بحث قرار داد. واژه‌های عمل و شغل در ترکیب «شغل سفر» و «عمل سفر» در اصطلاح فقهی به معنای حرفه و پیشه به کار رفته است (صدر، ۱۴۰۳،

۴۲۷؛ بنابراین، دو مفهوم شغل و عمل سفر به سفری اشاره دارد که حرفه و پیشه انسان شمرده شود. این دو مفهوم را فقیهان از تعلیلی که در روایات زراره (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۵/۸) و ابن ابی عمیر (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۷/۸) آمده است، برگرفته‌اند. در این دو روایت، اگرچه تنها واژه «عمل» ذکر شده، چون منظور از آن حرفه و پیشه است، فقیهان متأخر واژه «شغل» را نیز به کار برده‌اند (یزدی، ۱۴۰۹، ۱۳۱/۲؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۵، ۱۷۸).

اصطلاح «عمل سفر» اگرچه ریشه در روایات دارد، ولی از قرن دهم هجری به بعد در میان فقیهان مطرح شده است. پیش از آن، کثرت سفر موضوع خروج از حکم قصر به شمار می‌رفت، لکن از زمان مقدس اردبیلی به جای کثرت سفر، اصطلاح عمل سفر به عنوان موضوع حکم شرعی استفاده شد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۳۸۸/۳-۳۹۰؛ اشتهازدی، ۱۴۱۷، ۱۲۵/۱۹) و فقیهان از این زمان به بعد مفهوم عمل سفر را به کار گرفته‌اند (ر.ک: موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ۴۴۹/۴؛ فیض کاشانی، بی تا، ۲۴/۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۳۹۰/۱۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۳۵۷/۴؛ نراقی، ۱۴۱۵، ۲۷۳/۸؛ قمی، ۱۴۱۷، ۱۱۸/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷۵/۱۴). اما در دو سده اخیر، واژه «شغل» نیز در کلمات فقیهان مورد استفاده قرار گرفته است. این واژه با این که در عربی به حرفه و پیشه دلالت ندارد و تنها در فارسی به معنای حرفه و پیشه است، امروزه در ترکیب شغل سفر مترادف با عمل سفر استفاده می‌شود. شاید بتوان گفت سید یزدی در کتاب عروة الوثقی در ترویج این اصطلاح در لسان فقیهان نقش اصلی را دارد؛ چون او شغل و عمل سفر را به صورت مترادف و به یک معنا استفاده کرده است (یزدی، ۱۴۰۹، ۱۳۱/۲-۱۳۲). بعد از او شارحان عروه هر دو تعبیر عمل سفر و شغل سفر را به کار برده‌اند و امروزه شغل سفر در حوزه زبان فارسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (گلیباگانی، ۱۳۹۰، ۸۷؛ حسینی شیرازی، بی تا، منتخب المسائل، ۶۹).

شغل و عمل سفر آن است که مسافرت، مقوم مفهوم شغل باشد؛ به گونه‌ای که مفهوم آن شغل را بدون سفر نتوان تصور کرد؛ مانند رانندگی و کشتی‌بانی و یا دست کم شغل مستلزم سفر باشد مانند تجارت (سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۵۳-۱۵۴). به تعبیر برخی فقیهان، شغل سفر عملی است که مسافرت لازمه ماهیت آن باشد (ضیاء‌الدین

عراقی، ۱۴۱۴، ۲/۲۷۱). در بیان برخی دیگر از فقیهان، شغل سفر به حرفه شخص و کار اصلی او اطلاق شده است، به گونه‌ای که اگر از شغل او سؤال شود، بتوان آن کار و حرفه را در پاسخ ذکر کرد؛ مانند رانندگی برای کسی که آن را حرفه خود قرار داده است (صدر، ۱۴۰۳، ۴۲۷).

بنابراین، در تحقق شغل سفر دو چیز شرط است: اولاً عمل و شغل باید در سفر انجام شود و ثانیاً آن عمل باید حرفه و پیشه انسان به‌شمار آید. فقیهان برای این که تعریف دقیق‌تری از مفهوم شغل سفر ارائه کنند، آن را به دو قسم «شغل سفر» و «شغل در سفر» تفکیک کرده‌اند؛ بنابراین، باید مفهوم «شغل در سفر» را به صورت مستقل مورد بحث قرار داد تا تفاوت بین دو مفهوم بهتر روشن گردد.

۲-۳. شغل در سفر

برای بیان تفاوت شغل سفر و شغل در سفر می‌توان با سنجش رابطه شغل و مسافرت، شغل‌هایی را که در سفر انجام می‌شود، به صورت کلی به سه قسم دسته‌بندی کرد:

۱. شغلی که مفهوم آن بدون سفر قابل تصور نیست. این نوع شغل در ذات خود وابسته به سفر و سفر مقوم آن است؛ مانند خلبانی، رانندگی، کشتی‌بانی و مانند آن.
۲. شغلی که از نظر مفهومی وابسته به سفر نیست، ولی با سیر و گردش از محلی به محل دیگر همراه است، مانند: تجارت، امارت و چوپانی یا شغل‌های تدریس، تحصیل، طبابت و مانند آن.
۳. شغلی که نه از نظر مفهومی وابسته به سفر است و نه با سیر و گردش به مناطق گوناگون همراه است، بلکه محل شغل ثابت است، لکن از محل سکونت صاحب شغل به اندازه مسافت شرعی فاصله دارد و این امر سبب می‌شود که او همیشه در حال سفر باشد، مانند: محصل، مدرس، پزشک و کارمندی که وطن‌شان در جایی و محل کارشان در جایی دیگر باشد و برای انجام شغل خود به صورت روزانه، هفتگی و ماهانه به محل کار خود سفر کنند. البته این فرض در صورتی است که محل شغل

را به عنوان وطن اختیار نکرده باشند.

از میان این سه قسم، قسم نخست از نظر همه فقیهان «شغل سفر» خوانده شده است، اما قسم دوم و سوم را بیشتر فقیهان «شغل در سفر» نامیده‌اند، ولی در عین حال، از نظر حکم داخل در موضوع شغل سفر به‌شمار آورده و آن دو را به‌عنوان یک موضوع تلقی کردند (خویی، ۱۴۱۸، ۱۵۳/۲۰-۱۵۴-۱۵۴؛ صدر، ۱۴۰۳، ۴۲۷؛ فیاض، بی‌تا، منهاج‌الصالحین، ۳۶۳/۱؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵، ۳۰۱/۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۳۱، ۱۳۸-۱۳۹؛ تبریزی، ۱۴۲۶، ۲۴۷/۱).

در میان فقیهان گاهی تعبیر «سفر مقدمه شغل» نیز به جای اصطلاح «شغل در سفر» مورد استفاده قرار گرفته است (خویی، ۱۴۱۸، ۱۵۳/۲۰-۱۵۵؛ اراکی، ۱۴۱۴، ۲۳۰/۱؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰، ۱۰۷/۱؛ وحیدخراسانی، ۱۴۲۸، ۲۷۱/۲-۲۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۲۰۶ و ۴۸۸؛ فیاض، بی‌تا، تعالیق مبسوطه، ۳۷۲/۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ۱۱۸؛ سبحانی، ۱۴۲۹، ۲۸۱).

۲-۴. دایم السفر

اصطلاح «دایم السفر» پیشینه زیادی ندارد و تنها در سخنان فقیهان معاصر به کار رفته است. این تعبیر در محاورات عامه مردم بیشتر از آثار علمی فقیهان رواج یافته و در بحث نماز و روزه مسافر به معنای کثیر السفر و شغل سفر به کار رفته است. این کاربرد را می‌توان در استفتائاتی که در این مسئله صورت گرفته و پاسخ‌های فقیهان مشاهده کرد (خمینی، ۱۳۸۰، ۱۷۹/۱-۲۴۷؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا، ۱۳۵/۱؛ بهجت، ۱۴۲۸، ۴۲۵/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ۱۱۲/۲).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۹۸

۳. ماهیت‌شناسی موضوع

در این مرحله از چيستی موضوع و معیار تحقق آن بحث می‌شود. پرسش این بود که آیا صرف «عنوان‌های شغلی خاص» مانند مکاری و ملاح موضوع حکم اتمام نماز و روزه مسافر است یا «شغل بودن سفر» در تحقق موضوع دخالت دارد یا «کثرت سفر» موجب تحقق آن است؟

در پاسخ به این مسئله اتفاق نظر وجود ندارد؛ چون از روایات برداشت‌های

مختلف صورت گرفته است؛ چنان که فقیهان برخی کثرت سفر و برخی دیگر شغل بودن سفر را معیار قرار داده‌اند. به طور کلی، می‌توان دیدگاه فقیهان را در این مسئله به دو رویکرد کثرت‌محور و شغل‌محور دسته‌بندی کرد:

۳-۱. رویکرد اول: نظریه کثرت سفر

در این رویکرد، کثرت سفر مقوم موضوع تلقی شده، موجب خروج صاحبان شغل‌های سفری از حکم قصر به شمار می‌آید، بدون این که به شغل بودن سفر استناد شود. نگاه کثرت‌محورانه تا زمان محقق اردبیلی نظریه غالب بود و حتی نسبت مشهور به آن داده شده است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۳/۳۸۸؛ خوبی، ۱۴۱۸، ۲۰/۱۵۲). بر اساس این نظریه، عنوان جامعی که از موضوع مورد بحث حکایت می‌کند، همان عنوان «کثیرالسفر» است نه «شغل سفر».

برای تبیین مسئله و روشن ساختن مدعای این نظریه، لازم است به سخنان برخی از طرفداران آن و ادله و مستندات آن‌ها اشاره شود:

سید مرتضی در بیان استثنای مسافر از حکم قصر، تعبیر «سفر بیش از حضر» را به کار برده و ملاح و جمّال^۱ و مانند آن‌ها را به‌عنوان نمونه ذکر کرده است. وی این حکم را از ویژگی انحصاری امامیه دانسته و چنین استدلال می‌کند که اولاً این مسئله مورد اجماع طایفه است؛ ثانیاً آنچه موجب قصر نماز و روزه می‌شود، مشقت و سختی سفر است، ولی مسافرت برای کسانی که بیشتر ایام سال را در سفر زندگی می‌کنند، مشقتی را ایجاد نمی‌کند، چون به این سبک زندگی عادت کرده‌اند (شریف‌مرتضی، ۱۴۱۵، ۱۶۴).

شیخ مفید در برخی آثار خود تنها کثرت سفر را موجب خروج از حکم قصر می‌خواند و حکم روزه و نماز مسافری را که سفرش بیش از حضر است تمام می‌داند، بدون این که به مصادیق آن اشاره کند (مفید، ۱۴۱۳، ۳۴۸-۳۴۹).

شیخ طوسی نیز از عنوان «سفر بیش از حضر» استفاده می‌کند، اما در سخنان

۱. شتریان یا شتردار: کسی که شتر را به اجاره می‌دهد.

او چندان روشن نشده است که آیا کثرت سفر یا سفر بیش از حضر در کنار دیگر عناوین شغلی مانند: مکاری، ملاح، تاجر و مانند آنها یک سبب مستقل به‌شمار می‌آید یا مفهوم جامعی است که همه این عنوان‌های شغلی را در بر می‌گیرد و این شغل‌ها مصادیق کثیر السفر تلقی می‌شوند؛ زیرا او در دو کتاب مبسوط و نهایتاً سفر بیش از حضر را در کنار دیگر شغل‌های سفری و به‌صورت مستقل ذکر می‌کند (طوسی، ۱۳۸۷، المبسوط، ۱/ و ۱۴۰۰، ۱۲۲)، اما در کتاب الجمل و العقود کثرت سفر را معیار قرار داده، سایر عنوان‌های شغلی را به‌صورت مثال بیان می‌کند (طوسی، ۱۳۸۷، الجمل، ۱۱۵).

ابن ادریس می‌گوید: معیار اصلی در عناوین و اوصافی مانند مکاری، ملاح که در روایات آمده است، همین کثرت سفر است؛ بنابراین، همه اقسام این نوع سفر داخل در عنوان «سفر بیش از حضر» است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۱/۳۳۸).

محقق حلی و علامه حلی نیز «کثرت سفر» را در آثار خود عنوان جامع همه شغل‌های سفری قرار داده و شغل‌های مذکور در روایات را به‌عنوان مصادیق آن بحث کرده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱/۱۲۴؛ و ۱۴۱۸، ۱/۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۲/۱۷۸ و ۱۴۱۲، ۲/۲۵۸/۹)، لکن محقق حلی تنها در کتاب معتبر این عنوان را ناتمام خوانده و به جای آن از تعبیر «سفر مستلزم اتمام» استفاده کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ۲/۴۷۲)؛ علامه حلی نیز در کتاب منتهی المطلب در یک مورد به پیروی از وی این تعبیر را به کار برده است (علامه حلی، ۱۴۱۲، ۶/۳۵۳).

در آثار شهید اول و شهید ثانی نیز کثرت سفر معیار قرار گرفته است. شهید اول در کتاب ذکری نخست در بیان شرایط قصر، عنوان «عدم سفر بیش از حضر» را به کار می‌برد، سپس در ردّ نظر ابن ادریس نسبت به عدم لزوم تعدد سفر برای صاحبان حرفه و صنعت، علت خروج از حکم قصر در این مسئله را کثرت سفر می‌داند نه حرفه و شغل و بر آن است که کثرت بدون تعدد سفر تحقق نمی‌یابد (شهید اول، ۱۴۱۹، ۴/۳۱۵). شهید ثانی در این مسئله بیشتر تعبیر کثیرالسفر را به کار می‌برد و این مفهوم را حقیقت شرعی می‌داند. او برای اثبات ادعای خود به تبادر استناد می‌کند و می‌گوید: در ذهن اهل عرف از مفهوم کثیرالسفر همین نوع سفر با شرایطی از قبیل

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۰۰

عدم اقامت ده روز در وطن که برای آن گفته شده، تبادر می کند (شهید ثانی، ۱۴۰۲، ۱۰۳۶/۲ و ۱۴۱۳، ۱/۳۴۴).

در میان برخی فقیهان معاصر رویکرد کثرت محورانه نیز مطرح بوده و تنها کثرت سفر را عنوان جامع قرار می دهند و می گویند: کثیرالسفر موضوع اتمام نماز است؛ چه آن که شغلش سفر باشد مانند راننده و کشتی بان، یا شغلش در سفر باشد مانند تاجر و چوپان، یا کسی باشد که برای اموری مانند تحصیل، تدریس یا تفریح و درمان زیاد سفر می کند یا حتی برای تفریح و زیارت سفر می کند (شیرازی زنجانی، ۱۴۲۸، ۲۹۲؛ حکیم طباطبایی، ۱۴۱۵، ۱/۳۰۰؛ فضل الله، ۱۴۲۲، ۱/۳۸۸-۳۹۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ۱/۲۹۴؛ و ۱۴۲۲، ۱۹۰؛ مظاهری، ۱۳۸۴، ۱۸۸).

اگر به ادله و مستندات این نظریه بنگریم، در روایات از معیار کثرت سفر سخن به میان نیامده است. آنچه از بیان برخی از فقیهان به دست می آید این است که نظریه کثرت سفر با تنقیح مناط از روایات استنباط شده است. استدلال آن‌ها در این مسئله به این شکل است که سفر از جهت این که خلاف عادت مکلف و شیوه زندگی متعارف اوست، موضوع قصر قرار گرفته است؛ از این رو، کسانی که مسافرت برای آن‌ها به یک امر عادی تبدیل می شود، مانند کشتی بان، تاجر، از موضوع قصر خارج اند. آنچه سبب خروج صاحبان این شغل‌ها از حکم قصر شده است، صرف عنوان شغلی نیست؛ چون این عناوین موضوعیت نداشته و از باب یکی از این مصادیق ذکر شده است. از این باب سفر معصیت و سفر لهوی نیز از حکم قصر خارج نشده است. بنابراین، کثرت سفر که عنوان جامع برای همه آن‌هاست، سبب و ملاک خروج از حکم قصر است (ر.ک: شریف مرتضی، ۱۴۱۵، ۱۶۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳۳۸/۱؛ حسینی میلانی، ۱۴۱۶، ۱۷۴-۱۷۵).

اما این استدلال با اشکالاتی مواجه است؛ چون در برخی روایات علت خروج عناوین شغلی یاد شده از حکم قصر بیان شده است و آن «شغل بودن سفر» است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۸/۴۸۵ و ۴۸۷). بنابراین، ملاک خروج از قصر می تواند شغل سفر باشد نه کثرت آن.

از سوی دیگر، در توجیه نظریه کثرت سفر به اجماع نیز استناد شده است (ر.ک:

درنگی در تأثیر کثرت
سفر در اتمام نماز و روزه
مسافر

شریف مرتضی، ۱۴۱۵، ۱۶۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳۳۸/۱)، اما احتمال دارد اجماع مورد ادعا در عبارت سید مرتضی به اصل خروج صاحبان شغل‌های مذکور در روایات از قبیل مکاری، ملاح، جمال از حکم قصر باشد نه ملاک کثرت سفر. همچنین این نظریه به مشهور نسبت داده شده است (ر.ک: مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۳۸۸/۳؛ خوبی، ۱۴۱۸، ۱۵۲/۲۰)، ولی از دیدگاه برخی، ادعای شهرت هیچ مستندی ندارد و سزاوار توجه نیست (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۳۸۸/۳).

۳-۲. رویکرد دوم: نظریه شغل سفر

رویکرد دیگری که درباره چستی موضوع وجود دارد، شغل محوری است. در این رویکرد آنچه ماهیت موضوع را می‌سازد و موجب اتمام نماز و روزه مسافر می‌شود، شغل بودن سفر است نه کثرت آن. چنان‌که در بحث مفهوم‌شناسی «شغل سفر» اشاره شد، از قرن دهم هجری به بعد رویکرد جدیدی درباره چستی موضوع پدید آمد که بر اثر آن، نظریه «کثرت سفر» ناتمام تلقی شد و نظریه «شغل سفر» رواج یافت. بر اساس این نظریه، آنچه موجب می‌شود تا عناوین شغلی یاد شده در روایات از حکم قصر خارج گردد، شغل بودن آنهاست؛ بنابراین، کثرت سفر در تحقق موضوع دخالت ندارد، بلکه شغل بودن سفر نقش اصلی را ایفا می‌کند.

این نظریه بر خلاف نظریه پیشین، ریشه در روایات دارد و طرفداران آن معتقدند دیدگاه آن‌ها از روایات مربوط به موضوع به‌دست می‌آید. برای اثبات این نظریه دو روایت مورد استناد قرار گرفته است. نخست صحیح زراره است که از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«أَرْبَعَةٌ قَدْ يَجِبُ عَلَيْهِمُ التَّمَامُ فِي سَفَرٍ كَانُوا أَوْ حَضَرَ الْمُكَارِي وَ الْكُرِّي وَ الرَّاعِي وَ الْأَشْتَقَانُ؛ لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۵/۸)؛ چهار گروه چه در سفر باشند یا در حضر، واجب است که [نماز و روزه شان] را به‌صورت تمام انجام دهند، مکاری (چاروا دار)، کری (کسی خودش را کرایه می‌دهد)، راعی (چوپان) و اشتقان (نگهبان مزرعه)؛ چون مسافرت کار آنهاست».

دوم مرفوعه ابن ابی عمیر است که از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

«خَمْسَةٌ يُمُونَنَ فِي سَفَرٍ كَانُوا أَوْ حَضَرَ الْمُكَارِي وَ الْكُرِّي وَ الْأَشْتَقَانُ وَ هُوَ الْبَرِيدُ وَ الرَّاعِي وَ الْمَلَّاحُ؛ لِأَنَّهُ عَمَلُهُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۸/۴۸۷)؛ پنج گروه است که [نماز و روزه‌شان را] تمام انجام می‌دهند، چه در سفر باشند و چه در حضر که عبارت‌اند از مکاری (چاروادار)، کری (کسی خودش را کرایه می‌دهد)، اشتقان (و آن نامه‌رسان است)، چوپان و کشتی‌بان، چون مسافرت کار آنهاست».

در این روایات ابتدا از وجوب اتمام نماز و روزه نسبت به مکاری، کری، راعی، اشتقان و ملّاح سخن رفته، سپس در تبیین علت این حکم به شغل و عمل بودن سفر آنها استناد شده است؛ بنابراین، روایات یاد شده، عمل سفر را به عنوان ماهیت موضوع روشن ساخته است.

محقق اصفهانی در توجیه نظریه شغل سفر می‌گوید: اگرچه در روایات هم از عناوین خاص از قبیل مکاری و راعی نام برده شده و هم تعلیل به شغل سفر شده است، این دو با هم منافات ندارد؛ چون عناوین یاد شده می‌تواند داخل در مفهوم شغل سفر باشد؛ در نتیجه، ملاک اصلی همان شغل سفر است، نه صرف عناوین یاد شده و نه کثرت سفر (اصفهانی، ۱۴۰۹، ۹۱).

حسن کاشف الغطاء در اثبات نظریه شغل سفر این‌گونه استدلال می‌کند که آنچه از علت یاد شده در روایت زراره و تنقیح مناط قطعی و فتوای اصحاب به‌دست می‌آید، ملاک شغل و عمل سفر است؛ بنابراین، عناوین نام‌برده در روایات به‌عنوان مثال و مصادیق آن به‌شمار می‌رود (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۳۲۹).

صاحب جواهر می‌گوید: از مجموع نصوص مربوط به مسئله استفاده می‌شود که تعبیر «شغل و عمل سفر» بهتر از تعبیر «سفر بیش از حضر» یا «کثیرالسفر» است؛ چون کثرت سفر اولاً دلیل و مستندی ندارد و جای آن در نصوص خالی است. ثانیاً مفهوم کثرت در اینجا اجمال دارد. ثالثاً ملاک کثرت اقتضا دارد که هر نوع کثیرالسفر بدون این که سفرش شغل محسوب گردد، داخل در حکم اتمام شود. ولی این سخن بدون دلیل است و ظاهر ادله خلاف آن را اثبات می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷۵/۱۴).

اصطلاح شغل و عمل سفر در آثار دیگر فقیهان از سده دهم تاکنون نیز استفاده

درنگی در تأثیر کثرت
سفر در اتمام نماز و روزه
مسافر

شده و اکنون نظریه شغل سفر رویکرد غالب به شمار می آید (ر.ک: فیض کاشانی، بی تا، ۲۴/۱؛ بحرانی یوسف، ۱۴۰۵، ۱۱/۳۹۰ و ۳۹۴؛ حائری طباطبائی، ۱۴۱۸، ۴/۳۵۷-۳۵۸؛ قمی میرزا ابوالقاسم، ۱۴۱۷، ۲/۱۱۸؛ یزدی سید محمدکاظم، ۱۴۰۹، ۲/۱۳۱؛ ضیاءالدین عراقی، ۱۴۱۴، ۲/۲۷۰-۲۷۱؛ اصفهانی سید ابوالحسن، ۱۴۱۵، ۱۵۹؛ نراقی ملا احمد، ۱۴۱۵، ۸/۲۷۶؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۳/۳۴؛ وحید بهبهانی، ۱۴۲۴، ۲/۱۴۸-۱۴۹. برخی فقیهان معاصر نیز همین رویکرد را دارند؛ صدر سید محمدباقر، ۱۴۰۳، ۴۲۷؛ خویی، ۱۴۱۸، ۲۰/۱۵۳؛ خمینی، بی تا، ۱/۲۵۴؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ۱/۲۶۵؛ اراکی محمدعلی، ۱۴۱۴، ۱/۲۳۰؛ گلپایگانی، ۱۳۹۰، ۸۷؛ حسینی شیرازی، بی تا، الاسئله، ۶۹؛ تبریزی جواد، ۱۴۲۷، ۷/۲۲۰؛ فیاض محمد اسحاق، بی تا، تعالیق، ۴/۳۷۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶، ۱/۱۹۵؛ محقق کابلی، ۱۳۸۸، ۲۸۴). این نظریه به دلیل ریشه داشتن در روایات، قوی تر به نظر می رسد؛ چون صحیحه زراره و مرفوعه ابن ابی عمیر (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ۸/۴۸۵ و ۴۸۷) ملاک بودن شغل سفر را تقویت می کند؛ بنابراین، آنچه ماهیت موضوع را تشکیل می دهد، شغل بودن سفر است؛ از این رو، کسانی که سفر طولانی و پی در پی دارند، در صورتی مشمول موضوع اتمام می شوند که سفر، عمل و شغل آنان باشد؛ در غیر این صورت، هرچند سفر آنان بیش از حضر باشد، مشمول حکم نیست؛ چون بر اساس این نظریه، کثرت سفر ملاک نیست.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۱۰۴

شمول مفهوم «شغل سفر» نسبت به مصادیق «شغل در سفر»

آیا ملاک شغل در نظریه شغل سفر، تنها سفرهایی را در بر می گیرد که به نفسه حرفه و پیشه به شمار می رود یا مصادیق شغل در سفر را نیز شامل می شود؟
گرچه فقیهان شغل های سفری را به دو قسم شغل سفر و شغل در سفر دسته بندی کرده و برای هر کدام تعریف خاصی در نظر گرفته اند، در تطبیق ملاک شغل سفر، دایره آن را توسعه داده و به مصادیق شغل در سفر نیز اطلاق کرده اند. بسیاری از فقیهان این مسئله را به طور صریح مطرح کرده اند که شغل سفر هم بر کسانی که اصل سفر را به صورت مباشر حرفه خود قرار داده، از قبیل راننده، خلبان و کشتی بان اطلاق می شود و هم بر کسانی تطبیق می شود که شغل و حرفه آنان کاری غیر از سفر است ولی به سفر نیاز دارند، به گونه ای که جز با مسافرت خودشان انجام نمی شود،

مانند کسی که خود اهل نجف و محل تدریس او شهر حله است (صدر، ۱۴۰۳، ۴۲۷؛ فیاض، بی تا، تعالیق، ۳۷۲/۴).

در توجیه این سخن به مقتضای ارتکاز عرفی و سلب خصوصیت از عنوان‌های جایی،^۱ امیر^۲ و تاجر استناد شده است؛ چون اولاً مقتضای ارتکاز عرفی از تعلیل روایت زراره و ابن ابی عمیر آن است که موضوع شغل سفر، انواع شغل‌هایی را شامل می‌گردد که به صورت مستمر در سفر انجام می‌شود و ثانیاً بین جایی، امیر، تاجر و دیگر شغل‌ها مانند طبابت، تدریس و تحصیل در صورتی که در مسافرت انجام شود، تفاوتی وجود ندارد؛ چون همگی شغل‌شان غیر از سفر است و در سفر انجام می‌شود. اما در عین حال، جایی، تاجر و امیر در روایت اسماعیل بن ابی زیاد موضوع خروج از حکم قصر قرار گرفته است.^۳ بنابراین، همه شغل‌هایی که مانند آن در سفر انجام شود، داخل در موضوع است (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶، ۷۰/۸. همچنین، ر.ک: خوبی، ۱۴۱۸، ۱۵۳/۲۰-۱۵۴؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۵۵).

برخی در اینجا سفری را که مقدمه شغل قرار می‌گیرد، جزء ذات و مقوم شغل تلقی کرده، می‌گویند: همان‌گونه که تجارت و طبابت یک نوع شغل است، تجارت در سفر و طبابت در سفر نیز نوعی خاص از شغل است و سفر در تحقق ماهیت آن‌ها نقش دارد (نراقی، ۱۴۱۵، ۲۷۸/۸).

دلیل دیگری که در این مسئله مطرح شده، این است که قلمرو شغل سفر اگر تنها به سفرهایی محدود گردد که ذاتاً شغل محسوب می‌شود، در این صورت، روایات زیادی به موارد نادر حمل می‌شود؛ از این رو، باید مفهوم شغل سفر را توسعه داده و در معنای عام‌تر استفاده کرد تا شغل در سفر را نیز شامل شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۹۹/۹). بنابراین، گستره ملاک شغل سفر اعم از آن است که سفر خودش شغل باشد یا

۱. مأمور جمع‌آوری خراج و مالیات.

۲. والی یا فرمان‌روایی که در مناطق مختلف قلمرو حاکمیت خود سفر می‌کند.

۳. در روایت اسماعیل بن ابی زیاد از امام صادق، هفت گروه از حکم قصر خارج شده است: «سَبْعَةٌ لَا يَقْصُرُونَ الصَّلَاةَ الْجَائِيَةَ الَّذِي يَدُورُ فِي جَبَاتِهِ وَ الْأَمِيرُ الَّذِي يَدُورُ فِي إِمَارَتِهِ وَ التَّاجِرُ الَّذِي يَدُورُ فِي تِجَارَتِهِ مِنْ سُوقِ إِلَى سُوقٍ وَ الرَّاعِي وَ الْبَدْوِيُّ الَّذِي يَطْلُبُ مَوَاضِعَ الْقَطْرِ وَ مَنَّبَتِ الشَّجَرِ وَ الرَّجُلُ الَّذِي يَطْلُبُ الصَّيْدَ يُرِيدُ بِهِ لَهْوَهُ الدُّنْيَا وَ الْمُجَارِبُ الَّذِي يَقْطَعُ السَّبِيلَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۶/۸).

مقدمه شغل به شمار آید. بر اساس این نظریه، هر سفری که حرفه و پیشه محسوب شود به گونه‌ای که مسافرت حالت عمومی شغل تلقی گردد، مشمول موضوع است.

۴. معیارهای تحقق موضوع

تا اینجا درباره چستی و مقومات موضوع از دو نظریه کثرت سفر و شغل سفر سخن گفته شد. بحثی که در این مرحله مطرح می‌شود، معیارهای تحقق موضوع است. این بحث را می‌توان با این پرسش آغاز کرد که برای تحقق کثیرالسفر یا شغل سفر چه معیارها و شرایطی لازم است؟

در پاسخ به این مسئله بر اساس فهم عرفی و اشاراتی که در روایات وجود دارد، معیارهای مختلف مطرح شده است که به قرار ذیل است:

۴-۱. تعدد سفر

یکی از معیارهای تحقق کثرت و شغل سفر تعدد سفر است که برخی فقیهان دو بار و برخی سه بار مسافرت را لازم می‌دانند. علامه حلی در مختلف الشیعة برای تحقق کثرت و شغل سفر دو بار مسافرت را شرط دانسته (علامه حلی، ۱۴۱۳، مختلف، ۱۰۹/۳)، اما عده زیادی از فقیهان حداقل سه بار مسافرت را بدون فاصله شدن اقامت ده روز شرط می‌دانند (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳۳۹/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹، ۳۱۶/۴؛ شهید ثانی، ۱۴۰۲، ۱۰۳۷/۲؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ۵۱۳/۲؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۳۵۹/۴). درباره این که تعدد سه بار مسافرت در چه محدوده زمانی معتبر است، معیار دقیقی وجود ندارد، ولی با توجه به شرط عدم اقامت ده روز در وطن در هر بار بازگشت، می‌توان گفت که حداقل از یک ماه تا شش ماه را در بر می‌گیرد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۴-۲. صدق اسامی شغلی یا صدق شغل سفر

معیار دیگر در تحقق کثرت و شغل سفر، صدق اسامی و عنوان‌های شغلی یاد شده در روایات یا صدق شغل سفر است. در اینجا دو تعبیر به کار رفته است که تفاوت زیادی با هم ندارند. برخی صدق اسامی و عنوان‌های شغلی را معتبر دانسته و گفته‌اند: اگر عنوان مکاری، ملاح، تاجر بر کسی صدق کند، کثرت و شغل سفر

تحقق می‌یابد (علامه حلی، ۱۴۱۴، ۳۹۵/۴ و ۱۴۱۳ قواعد، ۱/۳۲۵ و ۱۴۱۹، ۱۷۹/۲؛ سبزواری، ۱۲۴۷، ۴۱۰/۲). برخی دیگر صدق شغل سفر را بدین گونه لازم دانسته‌اند که نزد عرف شغل او مسافرت دانسته شود (یزدی، ۱۴۰۹، ۱۳۱/۲؛ خمینی، بی تا، ۲۵۴/۱؛ فیاض، بی تا، منهاج، ۱/۳۷۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۳۱، ۱۴۶).

اما برخی این تفکیک را نادرست شمرده و معتقدند از نظر عرف هرگاه اسامی و عناوین یاد شده در روایات، درباره کسی صدق کند، شغل سفر هم صدق می‌کند؛ چون بین آن دو ملازمه است. از سوی دیگر، در روایات مربوط به مسئله، اسامی یاد شده از جهت عمل سفر بودن موضوع حکم قرار گرفته است. پس نمی‌توان آن دو را در مقابل هم قرار داد (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷۷/۱۴؛ عاملی حسینی، ۱۴۱۹، ۵۴۱/۱۰).

بنابراین، تفاوت گذاشتن بین صدق اسامی یاد شده و صدق شغل سفر از جهت تحقق موضوع، دلیل موجهی ندارد؛ از این رو، جمع زیادی از فقیهان صدق هر یک از این دو عنوان را موجب تحقق موضوع دانسته‌اند (ر.ک: بحرانی، ۱۴۰۵، ۳۹۴/۱۱). از سوی دیگر، این دو معیار در بیشتر موارد با یکدیگر انطباق و همپوشانی دارد و با صدق اسامی و عناوین یاد شده، شغل سفر نیز صدق می‌کند (ر.ک: قمی، ۱۴۱۷، ۱۱۹/۲؛ بهجت، ۱۴۲۶، ۵۸۸/۱).

درنگی در تأثیر کثرت
سفر در اتمام نماز و روزه
مسافر

۱۰۷

۴-۳. عدم اقامت ده روز

اقامت نداشتن ده روز نیز از معیارهای تحقق کثرت و شغل سفر به‌شمار آمده است. بر اساس این شرط، کسی که کثیرالسفر است یا شغل سفر دارد، اگر در وطن یا محل دیگر ده روز اقامت گزیند، از موضوع اتمام نماز و روزه خارج می‌شود.

عده‌ای این شرط را از روایات استنباط کرده و به‌عنوان معیار و ضابطه تحقق کثرت و شغل سفر برشمرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، الجمل، ۱۱۵؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ۱۰۶/۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ۵۱/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۷۸۴/۱). از جمله این روایات، مرسله یونس بن عبدالرحمان (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۸/۸) و روایت عبدالله بن سنان (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۹/۸) است. همچنین در صحیح هاشم بن حکم از امام صادق علیه السلام (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۸/۸) و روایت اسحاق بن عمار از امام کاظم علیه السلام (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۸۸/۸).

۴۸۸/۸-۴۸۹) به این مسئله اشاره شده است. از سوی دیگر، در عبارات برخی فقیهان نسبت به این مسئله از اجماع نیز سخن گفته شده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ۴۷۳/۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۶، ۲۲۸/۱).

اما برخی دیگر، ادله این شرط را کافی ندانسته‌اند؛ زیرا یکی از ادله آن اجماع مستند به مرسله یونس و دیگر روایات است که مردود می‌باشد (فیاض، بی‌تا، تعالیق، ۳۸۴/۴). از طرف دیگر، محقق حلی که خود معیار کثرت سفر را قبول دارد و عدم اقامت ده روز را شرط می‌داند، ادعای اجماع را در این مسئله غلط خوانده است (محقق حلی، ۱۴۰۷، ۴۷۳/۲). بنابراین، مهم‌ترین دلیل طرفداران شرط عدم اقامت ده روز، روایات مربوط است، اما روایات مورد استناد نیز به دلیل ضعف سند و دلالت از اثبات مدعا قاصر دانسته شده‌اند (فیاض، بی‌تا، تعالیق، ۳۸۴/۴-۳۸۷).

۴-۴. مدت زمان سفر نسبت به حضر

فقیهانی که رویکرد شغل محورانه دارند، مدت زمان سفر را چندان مورد توجه قرار نداده‌اند. از دیدگاه آن‌ها صدق عرفی شغل سفر در تحقق موضوع کفایت می‌کند؛ اگرچه زمان آن کوتاه باشد (فیاض، بی‌تا، منهج، ۳۷۱/۱؛ تبریزی، ۱۴۲۷، ۲۳۷/۷). در عین حال، بعضی حداقل یک ماه مسافرت پی‌درپی را در سال لازم می‌دانند به گونه‌ای که فاصله غیر عادی ایجاد نشود (خویی، ۱۴۱۶، ۸۴/۳؛ و ۱۴۱۰، ۲۴۵/۱-۲۴۶). اما در میان کسانی که رویکرد کثرت محورانه دارند، برخی کثرت سفر را در مورد غیر صاحبان شغل سفری، زمانی محقق می‌دانند که شخص مسافر هر روز سفر کند و به خانه بازگردد یا یک روز در منزل و یک روز در سفر، یا دو روز در منزل و دو روز در سفر، یا سه روز در منزل و سه روز در سفر یا چهار روز در منزل و سه روز در سفر باشد، ولی حضور پنج روز و مسافرت دو روز در هفته مقتضی احتیاط بین قصر و اتمام است. لکن اگر کسی فقط یک بار در یک هفته یا در دو هفته مسافرت کند، از نگاه عرف کثیرالسفر گفته نمی‌شود (سیستانی، ۱۴۱۷، ۲۹۶/۱).

به طوری کلی، درباره کثرت زمانی سفر نسبت به حضر معیارهایی که در سخنان فقیهان مطرح شده عبارت است از: بیشتر بودن مجموع ایام سفر نسبت به ایام حضر

(اشتهاردی، ۱۴۱۷، ۱۳۷/۱۹)؛ حداقل سه ماه مسافرت بدون فاصله شدن اقامت ده روز در وطن (منتظری، ۱۴۳۱، ۱۴۳/۲)؛ استمرار سفر تا چهار ماه (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸، ۱۲۵)؛ حداقل شش ماه مسافرت در یک سال به گونه‌ای که در هر ماه آن حداقل ده روز در سفر باشد (سیستانی، ۱۴۲۲، ۱۹۱).

نتیجه‌گیری

عنوان‌های کثیرالسفر و شغل سفر به‌طور صریح در روایات مطرح نشده است لکن در روایات مربوط به موضوع، صرفاً از برخی عنوان‌های شغلی مانند مُکاری، مَلّاح، جَمّال و تاجر نام برده شده است. تنها در برخی از این روایات از عمل و شغل سفر به‌عنوان علت حکم یاد شده است، لذا در میان فقیهان در بیان چستی موضوع دو نظریه کثرت سفر و شغل سفر شکل گرفته است. از زمان شیخ مفید تا محقق اردبیلی نظریه کثرت سفر در بین آنان مشهور بود. بعد از قرن دهم هجری نظریه شغل سفر بیشتر شهرت یافت و مورد توجه بیشتر قرار گرفت. دیدگاه غالب فقیهان متأخر این است که دلیلی بر ملاک کثرت سفر در روایات وجود ندارد، در حالی که عمل و شغل سفر در روایات به‌عنوان علت حکم بیان شده است. این نظریه به‌دلیل ریشه‌روایی آن موجه‌تر به نظر می‌رسد.

برگزیدن هر یک از این دو نظریه در عمل نتایج خاصی را در پی دارد؛ از جمله این که بر مبنای نظریه شغل سفر، برخی از گونه‌های مسافرت مانند کسانی که در طول سال برای زیارت یا تفریح به‌طور دائم و مرتب سفر می‌کنند، از موضوع سفر خارج گردیده، مشمول حکم اتمام نمی‌شوند،^۱ اما بر مبنای نظریه کثرت سفر، افراد نام برده نیز داخل در موضوع بوده، مشمول حکم اتمام می‌شوند.^۲

۱. برای پیامدهای نظریه شغل سفر، ر.ک: خوبی، ۱۴۱۰/۱، ۲۴۶؛ صدر، ۱۴۰۳، ۴۳۳؛ خمینی، بی تا، ۲۵۵/۱؛ تبریزی، ۱۴۲۶، ۲۴۸-۲۴۹؛ فیاض، بی تا، منهاج‌الصالحین، ۳۶۷/۱؛ وحیدخراسانی، ۱۴۲۸، ۲/۲، ۲۷۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۳۱، ۱۵۸-۱۵۹.
۲. در این باره، ر.ک: حکیم طباطبایی، ۱۴۱۰، ۳۴۷/۱، ۱۴۲۸؛ بهجت، ۱۴۲۸، ۴۳۴/۲؛ سیستانی، ۱۴۱۷، ۲۹۶/۱؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۵۷-۱۵۸ و ۱۴۲۹، ۲۸۱؛ فضل‌الله، ۱۴۲۲، ۳۹۴/۱، ۱۳۸۴، ۱۸۸-۱۸۹.

منابع

۱. ابن ادریس حلی، محمد، (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز، (۱۴۰۶ق)، **المهذب**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن زهره حلی، حمزة بن علی، (۱۴۱۷ق)، **غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع**، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴. ابوالصلاح حلی، تقی الدین، (۱۴۰۳ق)، **الکافی فی الفقه**، تصحیح: رضا استادی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۵. اراکی، محمدعلی، (۱۴۱۴ق)، **المسائل الواضحة**، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. اشتهازدی، علی پناه، (۱۴۱۷ق)، **مدارک العروة**، چاپ اول، تهران: دارالأسوة للطباعة والنشر.
۷. اصفهانی کمپانی، محمدحسین، (۱۴۰۹ق)، **صلاة المسافر**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۸. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۴۱۵ق)، **صلاة المسافر**، تقریر: سید حسین علوی خوانساری، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، **کتاب الصلاة**، چاپ اول، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری علیه السلام.
۱۰. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. بهاء الدین عاملی، محمد و ساوجی، نظام بن حسین، (۱۴۲۹ق)، **جامع عباسی و تکمیل آن**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۸ق)، **استفتائات**، چاپ اول، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت علیه السلام.
۱۳. —، (۱۴۲۶ق)، **جامع المسائل**، چاپ دوم، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت.
۱۴. تبریزی، جواد، (۱۴۲۷ق)، **صراط النجاة**، چاپ اول، قم: دارالصدیقة الشهيدة علیه السلام.
۱۵. —، (۱۴۲۶ق)، **منهاج الصالحین**، چاپ اول، قم: مجمع الامام المهدي.
۱۶. جمال الدین حلی اسدی، احمد، (۱۴۰۷ق)، **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**، تصحیح: مجتبی عراقی، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. حائری طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸ق)، **ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل**، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۱۰

۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۹. حسینی خامنه (خامنه ای)، سید علی، (۱۴۲۰ق)، أجوبة الاستفتاءات (عربی)، چاپ سوم، بیروت: الدار الاسلامیة.
۲۰. حسینی شیرازی، سید محمد، (بی تا)، الأسئلة والأجوبة (اثنا عشر رسالة)، چاپ اول، بی تا.
۲۱. _____، (بی تا)، منتخب المسائل الاسلامیة، بی تا.
۲۲. حسینی میلانی، سید محمد هادی، (۱۳۹۵ش)، محاضرات فی فقه الامامیة (صلاة المسافر وقاعدتی الصحة و الید)، چاپ اول، مشهد: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی.
۲۳. حکیم طباطبایی، سید محسن، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۲۴. _____، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، تعلیقه: سید محمد باقر صدر، چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۵. حکیم طباطبایی، سید محمد سعید، (۱۴۱۵ق)، منهاج الصالحین، چاپ اول، بیروت: دارالصفوة.
۲۶. حلبی، ابن ابی المجد علی، (۱۴۱۴ق)، إشارة السبق الی معرفة الحق، تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. حلبی، شمس الدین محمد، (۱۴۲۴ق)، معالم الدین فی فقه آل یاسین، تصحیح: ابراهیم بهادری، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۸. خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۰ش)، استفتاءات، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. _____، (بی تا)، تحریر الوسیلة، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۳۰. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۶ق)، صراط النجاة (المحشی)، تصحیح: موسی مفیدالدین عاصی عاملی، چاپ اول، قم: مکتب نشر المنتخب.
۳۱. _____، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم: مدینه العلم.
۳۲. _____، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخویی، تقریر: میرزا علی غروی، مرتضی بروجردی، سید محمدرضا خلخالی و سید محمد تقی خویی، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی.
۳۳. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۹ق)، رساله توضیح المسائل، چاپ سوم، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۴. _____، (۱۴۱۸ق)، ضیاء الناظر فی أحكام صلاة المسافر، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۳۵. سیزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ق)، مہذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، چاپ چہارم، قم: مؤسسہ المنار.
۳۶. سیزواری، محمدباقر، (۱۲۴۷ق)، ذخیرۃ المعاد فی شرح الإرشاد، چاپ اول، قم: مؤسسہ آل البيت علیہ السلام.
۳۷. سلار دیلمی، حمزہ، (۱۴۰۴ق)، المراسم العلویۃ والأحكام النبویۃ فی الفقہ الامامیۃ، تصحیح: محمود بستانی، چاپ اول، قم: منشورات الحرمین.
۳۸. سیستانی، سید علی، (۱۴۲۲ق)، المسائل المتتخبة، چاپ نهم، قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۳۹. —، (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین، چاپ پنجم، قم: دفتر حضرت آیت الله سیستانی.
۴۰. شیرزی زنجانی، سید موسی، (۱۴۲۸ق)، المسائل الشرعیۃ، چاپ اول، قم: مؤسسہ نشر الفقاهة.
۴۱. شریف مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ق)، الانتصار فی انفرادات الامامیۃ، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. —، (۱۳۸۷ق)، جمل العلم و العمل، چاپ اول، نجف: مطبعة الآداب.
۴۳. شہید اول، محمد بن مکی، (۱۴۱۲ق)، البیان، تصحیح: محمد حسون، چاپ اول، قم: ناشر محقق.
۴۴. —، (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیۃ فی فقہ الامیۃ، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۵. —، (۱۴۱۹ق)، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، چاپ اول، قم: مؤسسہ آل البيت علیہ السلام.
۴۶. شہید ثانی، زین الدین، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیۃ، تصحیح: سید محمد کلاتر، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری.
۴۷. —، (۱۴۲۰ق)، المقاصد العلیۃ فی شرح الرسالة الالفیۃ، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۸. —، (۱۴۲۲ق)، حاشیة المختصر النافع، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۹. —، (۱۴۲۲ق)، حاشیة شرائع الاسلام، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۰. —، (۱۴۰۲ق)، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۱. —، (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، چاپ اول، قم: مؤسسہ معارف اسلامی.
۵۲. صافی گلپایگانی، علی، (۱۴۲۶ق)، تبیان الصلاة، تقریرات درس سید حسین طباطبائی

جستارهای

فقہی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶

پاییز ۱۳۹۸

۱۱۲

- برجودی، چاپ اول، قم: گنج عرفان للطباعة و النشر.
۵۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۳۱ق)، **القول الفاخر فی صلاة المسافر**، چاپ اول، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی.
۵۴. _____، (۱۳۸۵ش)، **جامع الأحكام**، چاپ چهارم، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی.
۵۵. _____، (۱۴۱۶ق)، **هدایة العباد**، چاپ اول، قم: دارالقرآن الکریم.
۵۶. _____، (۱۴۲۸ق) **هدایة المسائل**، چاپ اول، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله صافی.
۵۷. صدر، سید محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، **الفتاوی الواضحة و فقا لمذهب أهل البيت**، چاپ هشتم، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۵۸. ضیاء الدین عراقی، علی، (۱۴۱۴ق)، **شرح تبصرة المتعلمین**، تصحیح: محمد حسون، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، **الجمل و العقود فی العبادات**، چاپ اول، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه فردوسی.
۶۰. _____، (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی فقه الامامية**، تصحیح: سید محمدتقی کشفی، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
۶۱. _____، (۱۴۰۰ق)، **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی**، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
۶۲. عاملی حسینی، سید جواد، (۱۴۱۹ق)، **مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة**، تصحیح: محمدباقر خالصی، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۳. عاملی کرکی، علی، (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۶۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ق)، **إرشاد الأذهان الی أحكام الایمان**، تصحیح: فارس حسون، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۵. _____، (۱۴۱۴ق)، **تذکرة الفقهاء**، تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۶۶. _____، (۱۴۱۳ق)، **قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۷. _____، (۱۴۱۳ق)، **مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة**، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

درنگی در تأثیر کثرت
سفر در اتمام نماز و روزه
مسافر

۶۸. — (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة.
۶۹. — (۱۴۱۹ق)، نہایة الاحکام فی معرفة الاحکام، چاپ اول، قم: مؤسسہ آل البيت علیہ السلام.
۷۰. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۲ق)، الاحکام الواضحة، چاپ چهارم، قم: مرکز فقہی ائمہ اطہار علیہم السلام.
۷۱. — (۱۴۲۵ق)، جامع المسائل (عربی)، چاپ اول، قم: انتشارات امیر قلم.
۷۲. — (بی تا)، جامع المسائل (فارسی)، چاپ یازدهم، قم: انتشارات امیر قلم.
۷۳. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۲۲ق)، فقہ الشریعة، چاپ هشتم، قم: المکتب الاعلامی.
۷۴. فیاض، محمد اسحاق، (بی تا)، تعالیق مبسوطه علی الروة الوثقی، چاپ اول، قم: انتشارات محلاتی.
۷۵. فیاض، محمد اسحاق، (بی تا)، منہاج الصالحین، بی تا، بی جا.
۷۶. فیض کاشانی، محمد محسن، (بی تا)، مفاتیح الشرائع، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۷۷. قمی، میرزا ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷۸. — (۱۴۲۰ق)، مناهج الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷۹. کاشف الغطاء، حسن، (۱۴۲۲ق)، انوار الفقاهة (کتاب الصلاة)، چاپ اول، نجف: مؤسسہ کاشف الغطاء.
۸۰. قطب الدین کیدری، محمد، (۱۴۱۶ق)، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، تصحیح: ابراهیم بهادری مراغی، چاپ اول، قم: مؤسسہ امام صادق.
۸۱. گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۳۹۰ق)، مختصر الأحکام، قم: دارالقرآن الکریم.
۸۲. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فی فقہ الامامیة، چاپ ششم، قم: مؤسسہ المطبوعات الدینیة.
۸۳. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۷ق)، المعتبر فی شرح المختصر، تصحیح: محمد علی حیدری و دیگران، چاپ اول، قم: مؤسسہ سید الشهداء.
۸۴. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تصحیح: عبدالحسین محمد علی بقال، چاپ دوم، قم: مؤسسہ اسماعیلیان.

جستارهای

فقہی و اصولی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۶
پاییز ۱۳۹۸

۱۱۴

۸۵. محقق کابلی، قربان علی، (۱۳۸۸ش)، توضیح المسائل، چاپ دوازدهم، قم: مرکز انتشارات دارالنشر اسلام.
۸۶. مظاهری، حسین، (۱۳۸۴ش)، رساله توضیح المسائل، چاپ هشتم، قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام.
۸۷. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۱ق)، فقه الامام الصادق، چاپ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.
۸۸. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، المقنعة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۸۹. مقدس اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۱ش)، استفتائات جدید، ج ۲، چاپ سوم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۹۱. —، (۱۴۲۴ق)، رساله توضیح المسائل، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۹۲. منتظری، حسینعلی، (۱۴۳۱ق)، رساله استفتائات، چاپ اول، قم: بی نا.
۹۳. موسوی عاملی، محمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، چاپ اول، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹۴. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹۵. نراقی، ملا احمد، (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۹۶. وحید بهبهانی، محمدباقر، (۱۴۲۴ق)، مصابیح الظلام، چاپ اول، قم: مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی.
۹۷. وحید خراسانی، حسین، (۱۴۲۸ق)، منهاج الصالحین، چاپ پنجم، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
۹۸. یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقی فیما تمع به البلوی، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

